

## پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین براساس نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی Prediction of Marital Adjustment of Couples based on Basic Psychological Needs and Narcissism

Fereshteh Alizadeh

Master's student, Department of psychology, Electronic Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Yousef Azami\*

Assistant Professor, Department of psychology, Electronic Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[aazami67@gmail.com](mailto:aazami67@gmail.com)

فرشته علیزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

یوسف اعظمی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه روان شناسی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### Abstract

The present study was conducted with the aim of predicting the marital adjustment of couples based on basic psychological needs and narcissism. The method of the current research was a correlational description. The statistical population included all married students of the Azad University of Electronics Department and Tehran Center Department in the academic year 2021-2022. For this purpose, 223 students were selected by the available sampling method and responded to Spanier's dyadic adjustment scale (DAS) (1976), Desi and Ryan's basic psychological needs scale (BPNS) (2001), and narcissistic personality scale (NPS) Raskin and Tery (1988). The data were analyzed by Pearson's correlation coefficient and simultaneous regression. The results showed that there is a positive and significant relationship between autonomy, communication, competence, and marital compatibility of couples ( $p < 0.05$ ), but there is no significant relationship between narcissism and marital compatibility ( $p > 0.05$ ). Also, the results of regression analysis showed that basic psychological needs explain about 0.22% of the variance of the dependent variable. Based on the findings, it can be said that basic psychological needs, especially autonomy, play an essential role in the marital compatibility of couples.

**Keywords:** *Autonomy, communication, competence, marital adjustment, narcissism.*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین براساس نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های آزاد واحد الکترونیک و واحد تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. بدین منظور ۲۲۳ نفر دانشجویان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس‌های سازگاری زناشویی (DAS) اسپانییر (۱۹۷۶)، نیازهای بنیادین روان‌شناختی (BPNS) دسی و رایان (۲۰۰۱) و مقیاس شخصیت خودشیفته (NPS) راسکین و تری (۱۹۸۸) پاسخ دادند. داده‌ها با روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین خودمختاری، ارتباط، شایستگی و سازگاری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $p < 0.05$ )، ولی بین خودشیفتگی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد ( $p > 0.05$ ). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نیازهای اساسی روان‌شناختی حدود ۰/۲۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند. براساس یافته‌ها می‌توان گفت که نیازهای اساسی روان‌شناختی به‌ویژه خودمختاری نقش اساسی در سازگاری زناشویی زوجین دارند.

**واژه‌های کلیدی:** خودمختاری، ارتباط، شایستگی، سازگاری زناشویی، خودشیفتگی.

ویرایش نهایی: دی ۱۴۰۱

پذیرش: دی ۱۴۰۱

دریافت: شهریور ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

### مقدمه

ازدواج مهم‌ترین و مقدس‌ترین پیوندی است که بین دو فرد روی می‌دهد و سرآغاز شکل‌گیری یک کانون حمایتی - عاطفی است که کارکرد آینده خانواده و سلامت جسمی و روانی اعضا بر روی آن نهاده می‌شود (رضاپور و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع، ازدواج رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ به‌عنوان دو فرد منحصر به فرد است؛ لذا روابط بین این دو در ابعاد مختلف زندگی آن‌ها نقش کلیدی دارد و بر شیوه زندگی آنها تأثیرگذار است و مبنای رضایت زناشویی زوجین قرار می‌گیرد (طهرانی‌آزاد و مجتبابی، ۱۳۹۸). لازم به ذکر است که کیفیت زندگی زناشویی زمانی ارتقا می‌یابد که هر دو طرف به ایفای حقوق و تکالیف معنوی و مادی در قبال هم متعهد باشند و انجام دادن این تکالیف به برآورده شدن بسیاری از نیازهای زناشویی کمک می‌کند (هیرشه، ۲۰۲۱). عوامل بسیار زیادی می‌توانند موفقیت

## Prediction of Marital Adjustment of Couples based on Basic Psychological Needs and Narcissism

یا عدم موفقیت زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند (بیردیت و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). یکی از این موارد که در استمرار داشتن یک ازدواج موفق تأثیر زیادی دارد سازگاری زناشویی<sup>۲</sup> است (گوپال و والارماچی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). سازگاری زناشویی به معنای نداشتن مشکل در زندگی نیست بلکه به معنای ظرفیت سازگار شدن با مشکلات و توانایی حل آنهاست (مت‌هانا<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). سازگاری زناشویی به عنوان یک فرآیند تکاملی در ارتباط میان زن و شوهر است که به حالتی از تطابق در جنبه‌های گوناگون زوجین که امکان دارد در آنها تعارضی موجود باشد، اطلاق می‌شود (منتجیان، ۱۴۰۰). در این فرآیند زوج‌ها با مرور زمان و نقش جدیدشان در خانواده، وظایف خود را بهتر درک می‌کنند و آن‌را می‌پذیرند (بشارت و رفیع‌زاده، ۲۰۲۱). اهمیت سازگاری زناشویی از این واقعیت ناشی می‌شود که به طور مستقیم بر ثبات و موفقیت رابطه تأثیر می‌گذارد (ال‌منزلی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). براساس پژوهش‌های اخیر عواملی نظیر نیازهای اساسی روان‌شناختی<sup>۶</sup> و خودشیفتگی<sup>۷</sup> که بر روی سازگاری زناشویی تأثیرگذار هستند، می‌توانند با سازگاری زناشویی زوجین در ارتباط باشند (جمالی و همکاران، ۱۴۰۰؛ فتوره‌چی و رستمیان، ۱۳۹۷).

نیازهای اساسی روان‌شناختی به عنوان انرژی لازم برای درگیری فعال با محیط، عملکرد سالم روان‌شناختی، پرورش مهارت‌ها و رشد سالم شناخته می‌شود و این نیازها به صورت فطری در تمام انسان‌ها وجود دارد (اقدامی، ۱۳۹۸). نیازهای اساسی روان‌شناختی شامل نیاز به خودمختاری<sup>۸</sup>، شایستگی<sup>۹</sup> و ارتباط<sup>۱۰</sup> است. خودمختاری به نیاز فرد به احساس انتخاب و خودآغازگری در انجام تکالیف اشاره دارد و این که فرد احساس می‌کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است (معمدی و اسکندری، ۱۴۰۰). شایستگی به معنای تمایل برای مؤثر بودن و موفق شدن در فعالیت‌های مورد نظر و دستیابی به نتایج پیش‌بینی شده است (اقدامی، ۱۳۹۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در تمام انسان‌ها بسته به میزان ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، روابط عاطفی رضایت‌بخش‌تر خواهد بود (راو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷). افرادی که در روابطی قرار دارند که ارضا کننده سه نیاز اساسی روان‌شناختی آنهاست، خواهان ابراز احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می‌پردازند (جمالی و همکاران، ۱۴۰۰). این افراد عزت‌نفس، نیرومندی حیاتی و عواطف مثبت بیشتر و عواطف منفی کمتری را تجربه می‌کنند. افرادی که در روابط عاشقانه، ارضای این نیازها را بیشتر تجربه می‌کنند، رضایت از زندگی زناشویی و تعهد بیشتری از خود نشان خواهند داد و در زندگی زناشویی سازگارترند و احساس اعتماد به نفس و خودارزشمندی در افراد شکل می‌گیرد (معمدی و اسکندری، ۱۴۰۰). در همین راستا، نتایج پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی با سازگاری زوجین رابطه مثبت معنادار دارد. همچنین، عباس<sup>۱۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که از بین نیازهای اساسی روان‌شناختی نیاز به ارتباط به عنوان تنها پیش‌بینی کننده صمیمیت و سازگاری زناشویی است.

عامل دیگری که بر سازگاری زناشویی تأثیرگذار است خودشیفتگی است (پروین<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۲). خودشیفتگی به عنوان یک ویژگی تاریک شخصیت (اسمیت<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) با احساس اغراق آمیز خود برتری، اقتدارطلبی و الگوهای تفکر بزرگ‌منشی مشخص می‌شود (گرودا<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). خودشیفتگی آسیب‌شناختی با دو بعد بزرگ‌منشی و آسیب‌پذیری به رسمیت شناخته می‌شود (مالزا و کارمارک<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۸). هر دو بعد خودشیفتگی در برخی از ویژگی‌ها مانند خودمحوری و احساس استحقاق به هم شبیه‌اند ولی از جنبه‌های دیگر با هم تفاوت دارند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۸). خودشیفتگی آسیب‌پذیر با خلق منفی بالا، عزت‌نفس پایین، حساسیت به انتقاد و دفاع از خود همراه است، درحالی که خودشیفتگی بزرگ‌منشی با خودارزشمندی اغراق آمیز، جسارت اجتماعی و خودبینی شدید و تمایل

1. Birditt
3. Marital Adjustment
3. Gopal, & Valarmathi
4. Mathna
5. El-Mneizel
6. Basic psychological needs
7. narcissism
8. Autonomy
9. Competence
10. Relationship
11. Rao
12. Abbas
13. Perveen
14. Smith
15. Gruda
16. Malza & Kaczmarek

به تحسین توصیف می‌شود (زاجنکوسکی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، کاهش همدلی در قلب مشکلات بین فردی مرتبط با خودشیفتگی مطرح شده است (بوکسکی و سامسون<sup>۲</sup>، ۲۰۲۱). مطالعات نشان می‌دهد که احتمالاً هیچ ویژگی شخصیتی دیگری به اندازه خودشیفتگی از خود رفتارهای متناقض بروز نمی‌دهد (گرودا و همکاران، ۲۰۲۱). خودشیفتگی حتی در سطح زیربالینی با طیف گسترده‌ای از مشکلات بین فردی همراه است و افراد خودشیفته در روابط خود متعهد نیستند و بیشتر مرتکب جرم می‌شوند (بوکسکی و همکاران، ۲۰۲۱). خودشیفتگی به عنوان یک اختلال شخصیت بسیاری از رفتارهای افراد مبتلا همچین شبکه ارتباطی آنها با دیگران به ویژه همسران‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این زمینه در پژوهشی فتوره‌چی و رستمیان (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که بین شخصیت خودشیفته و رضایت زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش کاظمی و سعادت‌خواه (۱۳۹۶) با هدف بررسی سه‌گانه تاریک شخصیت (خودشیفته، ماکیاولیسم<sup>۳</sup> و جامعه‌ستیزی<sup>۴</sup>) با سازگاری زناشویی نشان دادند که بین سه‌گانه تاریک شخصیت و سازگاری زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد.

بر این اساس، بیشتر طلاق‌های ثبت شده در سال ۱۴۰۰ به طول مدت ازدواج یک تا پنج سال معطوف می‌شود که نشان‌دهنده افزایش ناسازگاری زناشویی در این مدت‌زمان ازدواج است (منتجیبیان و رضایی‌دهنوی، ۱۴۰۰). بنابراین در مجموع مطابق با آخرین گزارش در زمینه طلاق، امکان افزایش این آمار وجود دارد. در بسیاری از موارد افراد از زندگی زناشویی ناراضی هستند و سازگاری زناشویی ندارند، که همان‌طور نتایج مطالعات نشان داده است عواملی هم‌چون نیازهای اساسی خودمختاری، شایستگی و ارتباط و میزان خودشیفتگی بر میزان سازگاری زناشویی تأثیرگذار هستند. بر این اساس از جنبه پژوهشی انجام این پژوهش باعث می‌شود که عوامل تأثیرگذار بر سازگاری زناشویی با تأکید بر نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی شناخته شوند و از جنبه کاربردی شناخت این عوامل باعث می‌شود که درمانگران خانواده و زوج‌درمانی برای ارتقای سازگاری زناشویی زوجین در برنامه‌های مداخله‌ای و مشاوره پیش از ازدواج بر تطابق نیازهای اساسی روان‌شناختی و سنجش میزان خودشیفتگی زوجین تمرکز کنند. بنابراین پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین بر اساس نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی انجام شد.

## روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه‌های آزاد واحد الکترونیک و واحد تهران مرکز در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. با مراجعه به پیشینه‌های قبلی مرتبط با موضوع این پژوهش و بر اساس میانگین ۳ پیشینه پژوهشی قبلی مرتبط، حجم نمونه ۲۲۳ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس تعیین شد. پرسش‌نامه‌ها به صورت مجازی در گوگل فرم ساخته شد و لینک آن در گروه‌های دانشجویی آی‌گپ، ای‌تا، واتساپ و تلگرام که دانشجویان رشته‌های مختلف سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در دو واحد دانشگاهی حضور داشتند قرار داده شد و از دانشجویان متأهل خواسته شد که پرسشنامه توسط آنان تکمیل شود. معیارهای در نظر گرفته شده برای ورود به پژوهش شامل: دانشجویانی که فارغ‌التحصیل نشده‌اند، دانشجویانی که ۶ ماه از عقدشان گذشته باشد و دانشجویان مذکر و مؤنث، دانشجوینی که متارکه نکرده‌اند و هر دو جنس در نظر گرفته شد. معیارهای خروج نیز شامل: مخدوش بودن و عدم پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها و عدم تمایل به همکاری بود. جهت حفظ اصل رازداری، اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها بدون نام و نشانی از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری شد تا هویت آنها محفوظ بماند و فقط در اختیار دست‌اندرکاران این پژوهش باشد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان و با استفاده از نرم‌افزار (SPSS) نسخه ۲۴ انجام گرفت.

## ابزارهای سنجش

**مقیاس سازگاری زناشویی<sup>۵</sup> (DAS):** این مقیاس در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر تهیه شده است (اسپانیر، ۱۹۷۶) و دارای ۳۲ سؤال می‌باشد که میزان سازگاری زوجی زن و شوهر را مورد سنجش قرار می‌دهد و مؤلفه‌های آن شامل رضایت دو نفری، همبستگی دو

1. Zajan koski  
2. Bokoski & Samson  
3. machiavellianism  
4. antisocial  
5. Dyadic Adjustment Scale



شخصیت خودشیفته جمع شده و بدین صورت تفسیر می‌شود که نمره بین ۴۰ تا ۵۰ (حس انسجام پایین)، نمره بین ۵۰ تا ۶۰ (حس انسجام متوسط) و نمره بالاتر از ۶۰ (حس انسجام بالا) است. در مطالعه راسکین و تری (۱۹۸۸) روایی همزمان این مقیاس از طریق اجرای همزمان آن با پرسشنامه چندمحوری بالینی میلیون ۰/۷۹ به دست آمده است و ضرایب پایایی با روش آلفای کرونباخ گزارش شده بالاتر از ۰/۷۴ برای تمام زیرمقیاس‌های ۷ گانه این مقیاس به دست آمد. این مقیاس در ایران هنجاریابی و روایی همگرایی آن با پرسشنامه چندمحوری بالینی میلیون -۳ و خرده‌مقیاس برون‌گرایی و توافق‌جویی پرسشنامه شخصیت پنج‌عاملی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۸۲ و ۰/۶۸ به دست آمد (صفاری‌نیا، شقاقی و ملکی، ۱۳۹۱). در مطالعه قریشی‌راد (۱۳۹۴) ضریب پایایی همسانی درونی و بازآزمایی مقیاس شخصیت خودشیفته به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۲ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای مقیاس شخصیت خودشیفته ۰/۷۶ به دست آمده است.

## یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان داد که فراوانی گروه زنان برابر ۲۰۰ (۸۹/۷ درصد) و مردان برابر ۱۸ (۸/۱ درصد) بود. از نظر نوع وضعیت شغلی ۱۱۲ نفر (۵۰/۲ درصد) کارمند، ۶۴ نفر (۲۸/۷ درصد) خانه‌دار، ۲۳ نفر (۱۰/۳ درصد) بازنشسته، ۱۴ نفر (۶/۳ درصد) شغل آزاد و بقیه شغل را ابراز نکرده‌اند. از نظر تحصیلات ۹۹ نفر (۴۴/۴ درصد) کارشناسی، ۸۷ نفر (۳۹ درصد) کارشناسی ارشد، ۹ نفر (۴ درصد) دکتری بودند. میانگین سنی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش برابر ۴۵/۱۳ با انحراف استاندارد ۷/۴۷ و میانگین مدت‌زمان ازدواج افراد برابر ۲۰/۶۰ با انحراف استاندارد ۸/۳۷ بود.

در جدول ۱ یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش آمده است.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱. خودمختاری	۱				
۲. شایستگی	**۰/۴۴	۱			
۳. ارتباط	*۰/۳۹	**۰/۵۱	۱		
۴. خودشیفتگی	**۰/۳۱	**۰/۲۹	*۰/۳۹	۱	
۵. سازگاری زناشویی	**۰/۴۸	**۰/۲۹	**۰/۲۸	۰/۰۸	۱
میانگین	۳۴/۶۴	۳۰/۶۵	۴۲/۲۳	۱۳/۰۰۶	۱۱۱/۶۷
انحراف معیار	۷/۷۸	۶/۴۱	۶/۹۳	۵/۷۸	۲۷/۴۸
کجی	۱/۲۵	۱/۲۷	۱/۲۶	۱/۳۹	-۱/۰۸
کشیدگی	۱/۸۶	۱/۷۴	-۰/۰۸	-۱/۳۳	۱/۶۶

\*  $p < 0.05$ ، \*\*  $p < 0.01$

نتایج جدول ۱ نشان داد که بین نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی، ارتباط) با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ( $p < 0.01$ ). اما بین خودشیفتگی با سازگاری زناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد ( $p > 0.05$ ).

پیش از تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون همزمان، مفروضه‌های آن بررسی شد. فرض نرمال بودن داده‌ها به دلیل قرار داشتن مقدار کجی و کشیدگی در دامنه ۲+ تا ۲- برای همه متغیرها تأیید شد (جدول ۱). همچنین، مقدار عامل تورم واریانس برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی براساس نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی، ارتباط) و خودشیفتگی ۲/۶۵ و میزان دوربین واتسون هم ۲/۰۵ بود. بنابراین، با توجه به اینکه اگر مقدار عامل تورم واریانس کوچک‌تر از ۱۰ باشد، فرض هم‌خطی چندگانه رد و اگر مقدار دوربین-واتسون در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، فرض همبستگی باقیمانده رد می‌شود، لذا استفاده از تحلیل رگرسیون مجاز است.

در جدول ۲ خلاصه مدل رگرسیونی چندگانه نیازهای اساسی روان‌شناختی (خودمختاری، شایستگی، ارتباط) و خودشیفتگی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی ارائه شده است.

جدول ۲. مدل تحلیل رگرسیون

معناداری	F	مجذور R تعدیل شده	مجذور R	R
۰/۰۰۱	۱۱/۶۷	۰/۲۲	۰/۲۴	۰/۴۹

براساس اطلاعات جدول ۲، متغیرهای پیش‌بین یعنی خودشیفتگی و نیازهای اساسی روان‌شناختی حدود ۰/۲۲ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول ۳. نتایج ضرایب رگرسیونی برای پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین براساس نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی

معناداری	t	ضرایب استاندارد		B	
		Beta	خطای استاندارد		
۰/۰۰۱	۳/۶۸		۱۳/۵۳	۴۹/۹۳	ثابت
۰/۷۰۶	-۰/۳۷	-۰/۰۲۹	۰/۳۶	-۰/۱۳	خودشیفتگی
۰/۰۰۱	۴/۴۹	۰/۴۴۹	۰/۳۴	۱/۵۶	خودمختاری
۰/۴۲۲	۰/۸۰	۰/۰۷۸	۰/۴۰	۰/۳۲	شایستگی
۰/۹۸۴	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۲	۰/۳۸	-۰/۰۰۸	ارتباط

براساس اطلاعات جدول ۳، مقدار تی به‌دست‌آمده برای متغیر پیش‌بین خودمختاری معنادار است، که نشان می‌دهد این متغیر با ضریب بتای ۰/۴۴ نقش معنی‌داری در پیش‌بینی متغیر وابسته دارد ( $p < 0.01$ ) و سایر متغیرها یعنی نیاز شایستگی و ارتباط و متغیر خودشیفتگی نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر وابسته ندارند ( $p > 0.05$ ).

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین براساس نیازهای اساسی روان‌شناختی و خودشیفتگی انجام شد. یافته اول پژوهش نشان داد که بین نیاز خودمختاری و سازگاری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و خودمختاری نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر سازگاری زناشویی دارد. این نتایج با یافته‌های موسوی و مهریزی (۱۳۹۹)، موسوی و بیگلر (۱۳۹۸)، کاندمیر-کاربوک و تونک<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) همسو بود. در تبیین نتایج این یافته می‌توان ادعان داشت، وجود تعارض‌های حل نشده و ناسازگاری زناشویی در روابط زناشویی موجب کاهش توانایی خودتعیین‌گری که یکی از موارد آن خودمختاری در رابطه است شده و باعث کاهش تعهدات زناشویی، رضایت و سازگاری در رابطه می‌شود (موسوی و مهریزی، ۱۳۹۹). بنابراین غنی‌سازی روابط زوجین با بالا بردن توان خودتعیین‌گری که خودمختاری نیز شامل می‌شود در روابط زوجین، منجر به افزایش تعهد به رابطه و رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی زوجین می‌شود. پس می‌توان ادعان داشت از عواملی که نقش پررنگی در خودشکوفایی براساس نظریه خودتعیین‌گری افراد دارد مسئله سازگاری زناشویی است، که در آن هر دو زوج به‌صورت انفرادی یا با همکاری یکدیگر الگوی رفتاری خود را به‌صورت خودخواسته برای رسیدن به حداکثر رضایت زناشویی در روابطشان، تغییر و اصلاح می‌کنند. تبیین دیگر این است که برای حمایت از خودمختاری افراد، باید ابتدا دیدگاه آنها در نظر گرفته شود، چارچوب داوری آنها پذیرفته شده، موردقضاوت قرار نگرفته، تلاش توأم با همدلی و گوش‌دادن دقیق و با علاقه به آنچه فرد می‌گوید و می‌خواهد، وجود داشته باشد (کوهن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۲۱)، تا بتوان درک کامل‌تری از این که طرف مقابل وضعیت را چگونه می‌بیند و تجربه می‌کند به‌دست بیاید و در نهایت این تلاش که توسط افراد انجام می‌شود، در افزایش سازگاری زناشویی زوجین تأثیر مثبت خودش را خواهد گذاشت. همچنین حمایت شدن از لحاظ خودمختاری، علاوه بر این که در بهزیستی و مراقبت از سلامتی فرد تأثیر مثبت دارد و باعث افزایش انگیزش و یادگیری و رشد در فرد می‌شود در افزایش رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی نیز تأثیر مثبت دارد (ریو، ۲۰۱۸). بنابراین، اگر زوجین با تلاش توأم با همدلی و گوش‌دادن دقیق و با علاقه به آنچه همسرش می‌گوید توجه کند، از خودمختاری

1. Candemir Karaburç & Tunç

2. Kwon

او حمایت می‌کند و لذا با افزایش خودمختاری، رابطه بهتری می‌توانند با یکدیگر برقرار کنند که خود باعث افزایش سازگاری زناشویی در زوجین می‌شود.

یافته دوم پژوهش نشان داد که بین نیاز شایستگی و سازگاری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد اما نیاز شایستگی نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر سازگاری زناشویی ندارد. این نتایج با یافته‌های موسوی و مهریزی (۱۳۹۹)، موسوی و بیگلو (۱۳۹۸)، کیم و همکاران (۲۰۱۸)، موسوی و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین یافته‌های این فرضیه می‌توان به نظریه خودتعیین‌گری در مورد نیازهای اساسی روان‌شناختی استناد کرد که بر آن است تا هر سه نیاز اساسی روان‌شناختی از جمله نیاز به شایستگی فرد ارضا نشود سلامت روانی تحقق نمی‌یابد. طبق این نظریه، ارضای نیاز به شایستگی شرایط لازم برای رشد روان‌شناختی، انسجام‌یافتگی و بهزیستی شخص را فراهم می‌کند که در سازگاری زناشویی نقش دارد و زیربنای طیف وسیعی از رفتارهای فرد را تشکیل می‌دهد (تبان و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین می‌توان ادعان داشت شایستگی که دارای شاخص‌های تجربیات تأثیرگذار، تسلط و پیشرفت کردن است، افراد را متمایل به جستجوی چالش‌های مطلوب، بر عهده گرفتن آنها و تلاش مداوم و تفکر راهبردی تا زمانی که بر آنها تسلط یابند، می‌کند و اگر نیاز به شایستگی زوجین در زندگی زناشویی درست ارضاء شود و افزایش یابد سازگاری زناشویی زوجین در زندگی بیشتر می‌شود و دوران بهتری را باهم سپری می‌کنند. بر این اساس منبع رشد و کارکرد سالم ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی است و چنانچه این نیازها به‌طور مستمر ارضا شوند، افراد به‌طور مؤثر رشد و عمل می‌کنند، اما اگر از ارضای این نیازها جلوگیری شود، افراد به احتمال بیشتری با ناهنجاری و عدم‌عملکرد بهینه مواجه خواهند شد که این امر در خصوص عملکرد خانواده نیز صادق است (خان‌محمدی، بزازیان، امیری مجد و قمری، ۲۰۱۸) و باعث به‌وجود آمدن مشکلاتی در زمینه سازگاری زناشویی می‌شوند. رشد شناختی، حرکتی و اجتماعی بسیار در درک بهتر هریک از زوجین از طرف مقابل مؤثر است و این می‌تواند در افزایش سازگاری زناشویی زوجین تأثیرگذار باشد. برای پیشرفت کردن و کسب احساس ارضای نیاز به شایستگی جهت کاری که خوب انجام شده است افراد هم به ساختار محیطی که شامل انتظارات روشن، راهنمایی و بازخورد است و هم به موقعیت اجتماعی نیاز دارند، که با تحمل شکست زیاد مشخص شده باشد (ریو، ۲۰۱۸). اگر زوجین در بستر یک رابطه سالم در ساختار محیطی و موقعیت اجتماعی مطلوب بتوانند نیاز به شایستگی را افزایش دهند مواردی مانند افسردگی، اضطراب، شکایت جسمانی و پرخاشگری کاهش می‌یابد و بالطبع این مسائل باعث افزایش رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی می‌شوند. بنابراین نیاز به شایستگی، نیاز روان‌شناختی به مؤثر بودن در تعامل با محیط است و میل به گسترش دادن توانایی‌ها و مهارت‌ها در تسلط یافتن بر چالش‌ها در طول زندگی است که با افزایش این مهارت‌ها می‌توان در جهت افزایش شایستگی تلاش نمود و در نهایت منجر به بهتر شدن و صمیمی‌تر شدن روابط زوجین می‌شود که در رضایت از زندگی و سازگاری زناشویی زوجین تأثیر مثبت دارد. از طرف دیگر، احتمال می‌رود افراد شرکت‌کننده در این پژوهش از ساختار محیطی ضعیف برخوردار بوده‌اند و یا موقعیت اجتماعی که با تحمل شکست زیاد مشخص شده باشد، در مورد این افراد کم‌رنگ بوده است که در نتیجه نیاز به شایستگی به‌خوبی در این افراد ارضاء نشده است که منجر به ایجاد رابطه ضعیفی بین نیاز به شایستگی و سازگاری زناشویی شده است و بر همین اساس متغیر شایستگی نتوانست سازگاری زناشویی را پیش‌بینی نماید.

یافته سوم پژوهش نشان داد که بین نیاز ارتباط و سازگاری زناشویی زوجین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، اما نیاز ارتباط نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر سازگاری زناشویی ندارد. این نتایج با یافته‌های موسوی و مهریزی (۱۳۹۹)، موسوی و همکاران (۱۳۹۸)، هریس و کومار (۲۰۱۸)، کوهن و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. برای تبیین این نتایج می‌توان گفت که مسائل ارتباطی و مهارت‌های ضعیف زوج‌ها در معاشرت از مهم‌ترین عوامل ایجاد تعارض، نارضایتی و ناسازگاری است و همین مسئله باعث کاهش صمیمیت (عبادی، پاشا، حافظی و افتخار، ۲۰۱۸) و بالطبع ناسازگاری زناشویی می‌شود. به‌طور کلی، در نیاز به ارتباط اگر هر کدام از زوجین احساس اطمینان هنگام داشتن رابطه با همسر و نیاز به پذیرش خود به‌عنوان فردی شایسته عشق و احترام توسط همسر و علاقه‌مندی و تعلق داشتن به همسر را داشته باشد و تمایل برای موردحمایت واقع شدن از طرف همسر را درک کند، نیاز به ارتباط در او افزایش می‌یابد و باعث می‌شود زوجین روابط بهتری را با یکدیگر تجربه کنند و رضایت زناشویی و سازگاری زناشویی بالاتری داشته باشند. همچنین وجود تعارض‌های حل نشده و ناسازگاری زناشویی در روابط زناشویی موجب کاهش توانایی خودتعیین‌گری از جمله نیاز به ارتباط در رابطه شده، با کاهش تعهدات زناشویی، رضایت و سازگاری زناشویی زوجین در رابطه کاهش می‌یابد. بنابراین با غنی‌سازی روابط زوجین از طریق بالا بردن نیاز

## Prediction of Marital Adjustment of Couples based on Basic Psychological Needs and Narcissism

به ارتباط می‌توان در جهت افزایش سازگاری زناشویی زوجین گام برداشت. در تبیین دیگر می‌توان اذعان داشت که تعامل‌های اجتماعی زوجین احتمال صمیمیت، محبت و علاقه متقابل را نوید می‌دهد، نیاز به ارتباط را زنده می‌کند و در نتیجه رضایت از نیاز به ارتباط، سطوح بالای حرمت خود و افزایش رضایت از زندگی و سازگاری زناشویی را در بر دارد، وقتی هر یک از زوجین احساس کند با همسرش ارتباط عاطفی دارد در این صورت باور دارد که طرف مقابل به رفاه وی اهمیت می‌دهد، ارتباط در سطح بالاست و درونی‌سازی با اشتیاق روی می‌دهد و این مسئله در سازگاری زناشویی مؤثر است (ریو، ۲۰۱۸). برای تبیین عدم نقش معنادار نیاز ارتباط در سازگاری زناشویی می‌توان گفت احتمال می‌رود در روابط زناشویی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، درک متقابل و تعامل‌های اجتماعی، احتمال صمیمیت، محبت، علاقه متقابل، پیوند عاطفی خوب، دلبستگی و مورد حمایت واقع شدن کمرنگ بوده است و در نتیجه نیاز به ارتباط در این فرضیه به‌خوبی ارضاء نشده و نمی‌تواند سازگاری زناشویی زوجین را پیش‌بینی کند.

یافته چهارم پژوهش نشان داد که بین خودشیفتگی و سازگاری زناشویی زوجین رابطه معناداری وجود ندارد و متغیر خودشیفتگی نقش معناداری در پیش‌بینی متغیر سازگاری زناشویی ندارد. این نتایج با یافته‌های هاشمی‌نژاد (۱۳۹۹)، سار و تورک-کورتکا<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) ناهمسو بود و با یافته‌های لاونر و همکاران (۲۰۱۶) همسو است. برای تبیین این یافته می‌توان ابتدا به نظریه مورسیون<sup>۲</sup> استناد کرد که ادعا کردند در دوران بزرگسالی، میزان مفیدی از خودشیفتگی در افراد وجود دارد یا به‌وجود می‌آید که آنها را قادر می‌سازد تا در رابطه برقرار کردن با دیگران، فردیت خود را نیز در نظر بگیرند (مورسیون، ۱۹۹۷؛ به‌نقل از سار و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین می‌توان به نظریه‌ای از فروید اشاره کرد که عقیده داشت بسیاری از خصیصه‌های خودشیفتگی با بشر به دنیا می‌آیند و این خصیصه‌ها تا مرگ در شخصیت آنها وجود دارد و او سه شکل خودشیفتگی را توصیف کرد: خودشیفتگی اولیه، خودشیفتگی ثانویه و خودشیفتگی نرمال (فروید، ۱۹۱۴؛ به‌نقل از سار و همکاران، ۲۰۲۱). فروید معتقد بود که تکامل‌یافته‌ترین شکل خودشیفتگی، خودشیفتگی نرمال است که انرژی غریزی به‌سوی دیگران هدایت می‌شود. تبیین احتمالی دیگر آن است که ممکن است اکثر افراد شرکت‌کننده در پژوهش از خودشیفتگی سازگارانه برخوردار باشند که نه تنها باعث ناسازگاری زناشویی نمی‌شود بلکه در روند زندگی و رسیدن به موفقیت مهم است. لذا ممکن است افراد شرکت‌کننده در پژوهش دارای خودشیفتگی سازگارانه و خودپنداره مثبت باشند و از اعتماد به نفس و رضایت بیشتری در زندگی برخوردارند و این نوع خودشیفتگی لازمه زندگی و رسیدن به موفقیت است و در سازگاری زناشویی تأثیر منفی ندارد.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت نیازهای اساسی روان‌شناختی شامل نیاز خودمختاری، شایستگی و ارتباط با سازگاری زناشویی زوجین رابطه دارد. به‌عبارتی، چنانچه زوجین به نیازهای یکدیگر توجه نموده و سعی در ارضای نیازهای اساسی همدیگر داشته باشند، بیشتر خواهان ابراز احساسات خود هستند و با سهولت بیشتر به حمایت همسر خود می‌پردازند؛ در واقع، احساس خودمختاری، شایستگی و ارتباط، ارتقابخش شکل‌های مختلف رفتارهای اجتماعی مانند کمک کردن و همکاری به قصد سود رساندن و تعهد است که باعث ارتقاء روابط زوجین نیز می‌شود. وقتی فردی احساس کند که نیازهایش ارضا شده است، پاسخ‌های سازگارانه‌تری برای حل تعارض‌ها به کار می‌گیرد و در نتیجه میزان سازگاری زناشویی افزایش می‌یابد.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی نیز دارد که باید در تفسیر نتایج مورد توجه قرار بگیرد. مقطعی بودن و محدود بودن نمونه به دانشجویان دانشگاه آزاد واحد الکترونیک و واحد تهران مرکز، اینترنتی تکمیل کردن پرسشنامه‌ها به دلیل شرایط کرونایی و همچنین روش نمونه‌گیری دردسترس از جمله این محدودیت‌هاست. به‌همین منظور پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی این محدودیت‌ها مرتفع گردیده و همچنین از نمونه‌های غیر دانشجوی نیز با توجه به اهمیت این متغیرها در زندگی زناشویی استفاده گردد.

## منابع

- اژه‌ای، ج.، خضری آذر، ه.، بابایی سنگلجی، ه.، امانی، جواد. (۱۳۸۷). الگوی ساختاری روابط بین حمایت از خودمختاری ادراک شده معلم، نیازهای روان‌شناختی اساسی، انگیزش درونی و تلاش. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۲(۴)، ۴۷-۵۶. <http://rph.khu.ac.ir/article-1-129-fa.html>
- اقدامی، ز.، یوسفی، ف. (۱۳۹۷). رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵(۲۹)، ۳۷-۷۲. [10.22111/jeps.2018.3608](https://doi.org/10.22111/jeps.2018.3608)

۱. Şar, & Türk-Kurtça

۲. Morcion's theory

- بشارت، م. ع. رنجبر کلاگری، ا. (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: پایایی، روایی و تحلیل عاملی. *فصلنامه انداز‌گیری تربیتی*، ۱۴(۴)، ۱۶۸-۱۴۷. [https://jem.atu.ac.ir/article\\_90.html](https://jem.atu.ac.ir/article_90.html)
- جمالی، م. قدسی، پ. تقی‌لو، ص. میرهاشمی، م. (۱۴۰۰). تبیین الگوی ساختاری بین نیازهای بنیادین و کیفیت زناشویی بر اساس نقش میانجی‌گر قدرت ایگو. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*، ۱۷(۳)، ۲۵-۲۰. <http://jhpm.ir/article-1-1357-fa.html>
- ریو، م. (۲۰۱۸). کتاب انگیزش و هیجان؛ ترجمه سید محمدی، ی. (۱۴۰۰): انتشارات ارسباران. <https://www.gisoom.com/book/11760142/>
- صفاری‌نیا، م. شقاقی، ف. ملکی، ب. (۱۳۹۱). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۲(۸)، ۹۲-۷۱. [https://jcps.atu.ac.ir/article\\_2054.html](https://jcps.atu.ac.ir/article_2054.html)
- طهرانی‌آزاد، ل. مجتبابی، م. (۱۳۹۸). روابط ساختاری بین رضایت زناشویی و حل تعارض براساس نقش میانجی‌گر سرمایه‌های روان‌شناختی زوج‌ها. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۳ پیاپی ۵۱)، ۴۹۶-۴۷۵. [10.29252/apsy.13.3.475.10.29252/](https://apsy.13.3.475.10.29252/)
- فتوره چی، س. رستمیان، س. (۱۳۹۷). بررسی رابطه اختلال شخصیت خودشیفته و رضایت‌مندی زناشویی در کارمندان شهرداری تهران. *دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت، مشهد*. <https://civilica.com/doc/843485/>
- فلاح‌چای، ر. خالویی، س. مؤذن جامی، ع. (۱۳۹۸). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه رشد روان‌شناسی دو سویگی در بین افراد متأهل. *روانشناسی خانواده*، ۹(۲)، ۱۸-۱۱. [10.22108/cbs.2020.101237.1235.10.22108/](https://cbs.2020.101237.1235.10.22108/)
- قریشی‌راد، ف. (۱۳۹۴). اعتباریابی و تحلیل عاملی نسخه فارسی پرسش‌نامه شخصیت خودشیفته در جمعیت غیربالینی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۵(۱۲۴)، ۹۳-۸۴. <http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-5638-fa.html>
- کاظمی، ر. سعادت‌خواه، م. (۱۳۹۶). بررسی رابطه سه‌گانه تاریک شخصیت (خودشیفته، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی) با سازگاری زناشویی. *پنجمین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران*. <https://civilica.com/doc/733376>
- معتمدی، ن. اسکندری، ع. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط بین نیازهای اساسی روان‌شناختی با کیفیت زندگی در سالمندان شهر اصفهان. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۹(۱)، ۱۱۸-۱۰۷. [20.1001.1.17352029.1400.19.1.10.7](https://scs.2020.101237.1235.10.22108/)
- منتجبیان، ز. رضایی‌دهنوی، ص. (۱۴۰۰). اثربخشی درمان بین‌فردی فراشناختی بر بهبود الگوهای ارتباطی ناکارآمد زوجین و افزایش سازگاری زناشویی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۸)، ۱۴۸-۱۳۵. [20.1001.1.2383353.1400.10.8.10.4](https://rooyesh.2020.101237.1235.10.22108/)
- موسوی، ف. بیگلر، ز. (۱۳۹۸). نقش حمایت عاطفی و خود‌تعیین‌گری در پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان متأهل. *نشریه مطالعات زن و خانواده*، ۱۷(۱)، ۷۱-۵۱. [10.22051/jwfs.2019.18873.1655](https://jwfs.2019.18873.1655.10.22051/)
- موسوی، ف. مهریزی، م. (۱۳۹۹). مقایسه خود‌تعیین‌گری در رابطه زناشویی، تعهد به همسر و رضایت زناشویی در زنان و مردان بدون و دارای تعارض زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *نشریه رویش روان‌شناسی*، ۹(۸)، ۳۳-۱۹. [20.1001.1.2383353.1399.9.8.16.3](https://rooyesh.2020.101237.1235.10.22108/)
- هاشمی‌نژاد، س. (۱۳۹۹). نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش‌بینی استعداد خیانت زناشویی. *دستاورد‌های نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳(۳۱)، ۹۳-۸۴. <https://www.tpbin.com/jarticle/16110>
- Abbas, J., Aqeel, M., Abbas, J., Shaher, B., Jaffar, A., Sundas, J., & Zhang, W. (2019). The moderating role of social support for marital adjustment, depression, anxiety, and stress: Evidence from Pakistani working and nonworking women. *Journal of affective disorders*, 244, 231-238. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.07.071>
- Besharat, M. A., & Rafieezadeh, B. (2021). Prediction of sexual satisfaction and marital adjustment levels according to job variables, commitment, intimacy, and sexual knowledge and attitude. *Journal of family psychology*, 3(1), 31-46. [https://www.ijfpjournal.ir/article\\_245509.html?lang=en](https://www.ijfpjournal.ir/article_245509.html?lang=en)
- Birditt, K. S., Turkelson, A., Polenick, C. A., Cranford, J. A., & Blow, F. C. (2022). Alcohol Use and Blood Pressure Among Older Couples: The Moderating Role of Negative Marital Quality. *The Journals of Gerontology: Series B*. <https://doi.org/10.1093/geronb/gbac015>
- Bukowski, H., & Samson, D. (2021). Automatic imitation is reduced in narcissists but only in egocentric perspective-takers. *Acta Psychologica*, 213, 103235. <https://doi.org/10.1016/j.actpsy.2020.103235>
- Candemir Karaburç, G., & Tunç, E. (2020). Problematic Internet use, marital adjustment, couple burnout and basic psychological need satisfaction levels of married individuals. *Journal of Social and Humanities Sciences Research*, 7(55), 1695-1721. <http://dx.doi.org/10.26450/jshsr.1925>
- Ebadi, Z., Pasha, R., Hafezi, F., & Eftekhari, Z. (2018). The effectiveness of cognitive behavioral therapy on marital intimacy and identification of the basic psychological needs among couples referring to counseling centers. *Avicenna Journal of Neuro psycho physiology*, 5(4), 189-196. [10.32598/ajnp.4.3.290](https://doi.org/10.32598/ajnp.4.3.290)
- El-Mneizel, A., Al Gharaibeh, F., & Al Ali, M. M. (2022). *Marital Compatibility in the UAE Society among a Sample of Households in the Emirate of Abu Dhabi (UAE)*. <https://dx.doi.org/10.18576/isl/110422>

## Prediction of Marital Adjustment of Couples based on Basic Psychological Needs and Narcissism

- Gopal, C. R., & Valarmathi, D. (2020). Marital Compatibility and Their Relationship To Personality Among Arranged Marriage Couples And Love Marriage Couples—A Pilot Study. *Annals of Tropical Medicine and Public Health*, 23, 231-503. DOI:10.36295/ASRO.2020.231503
- Gruda, D., McCleskey, J., Karanatsiou, D., & Vakali, A. (2021). I'm simply the best, better than all the rest: Narcissistic leaders and corporate fundraising success. *Personality and Individual Differences*, 168, 110317. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110317>
- Harahsheh, S. (2021). The Marital Compatibility of Married Students in Jordan's Private Universities Located in the Northern Region, and Its Relation to Some Variables. *Asian Social Science*, 17(1), 118-118. doi:10.5539/ass.v17n1p118
- Haris, F., & Kumar, A. (2018). Marital satisfaction and communication skills among married couples. *Indian journal of social research*, 59(1), 35-44. <https://www.researchgate.net/profile/Farah-Haris/publication/324680369>
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the Basic Needs Satisfaction in General Scale. *Contemporary Educational Psychology*, 35(4), 280-296. <https://doi.org/10.1016/j.cedpsych.2010.04.003>
- Khan Mohamammadi, Z., Bazzazian, S., Amiri Majd, M., & Ghamari, M. (2018). Predicting emotional divorce based on psychological basic needs, marital expectations and family function. *Journal of family psychology*, 5(1), 17-30. [https://www.ijfjournal.ir/article\\_245536.html?lang=en](https://www.ijfjournal.ir/article_245536.html?lang=en)
- Kim, J. H., Shin, H. S., & Yun, E. K. (2018). A dyadic approach to infertility stress, marital adjustment, and depression on quality of life in infertile couples. *Journal of Holistic Nursing*, 36(1), 6-14. <https://doi.org/10.1177/0898010116675987>
- Kwon, J. H., Kim, H. E., Kim, J., Kim, E. J., & Kim, J. J. (2021). Differences in basic psychological needs-related resting-state functional connectivity between individuals with high and low life satisfaction. *Neuroscience Letters*, 750, 135798. <https://doi.org/10.1016/j.neulet.2021.135798>
- Lavner, J. A., Lamkin, J., Miller, J. D., Campbell, W. K., & Karney, B. R. (2016). Narcissism and newlywed marriage: Partner characteristics and marital trajectories. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 7(2), 169. <https://doi.org/10.1037/per0000137>
- Malesza, M., & Kaczmarek, M. C. (2018). Grandiose narcissism versus vulnerable narcissism and impulsivity. *Personality and Individual Differences*, 126, 61-65. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.021>
- Mousavi, S. F., & Ghohinasab Ghoje Beigloo, R. (2019). The Role of Emotional Support and Self-Determination in Prediction of Marital Conflicts among Married Women. *Journal of Woman and Family Studies*, 7(1), 51-71. [10.22051/jwfs.2019.18873.1655](https://www.jwfs.2019.18873.1655)
- Perveen, S., Khan, R. J., & Khattak, S. U. (2022). The Depression and Marital Distress: Assessing the Predictive Role of Narcissistic Features. *Journal of Educational Research and Social Sciences Review (JERSSR)*, 2(3), 1-5. <https://ojs.jerssr.org.pk/index.php/jerssr/article/view/jerssr>
- Rao, S. L. (2017). Marital adjustment and depression among couples. *The international Journal of Indian psychology*, 4(2), 34-42. <http://www.ijip.in>
- Raskin, R., & Terry, H. (1988). A principal components analysis of the Narcissistic Personality Inventory and further evidence of its construct validity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(5), 890-902. <https://psycnet.apa.org/buy/1988-25254-001>
- Rezapour Mirsaleh, Y., Mosayebi, M., Khandaghi, Z., & Nazemi, B. (2022). Identifying and Ranking the Factors Affecting Early Marital Conflicts in Newly Married Couples with Interpretive Structural Modeling (ISM) Approach. *Journal of Family Research*, 17(4), 541-560. [10.52547/JFR.17.4.541](https://doi.org/10.52547/JFR.17.4.541)
- Şar, V., & Türk-Kurtça, T. (2021). The vicious cycle of traumatic narcissism and dissociative depression among young adults: A trans-diagnostic approach. *Journal of Trauma & Dissociation*, 22(5), 502-521. <https://doi.org/10.1080/15299732.2020.1869644>
- Smith, M. B., Hill, A. D., Wallace, J. C., Recendes, T., & Judge, T. A. (2018). Upsides to dark and downsides to bright personality: A multidomain review and future research agenda. *Journal of Management*, 44(1), 191-217. <https://doi.org/10.1177/0149206317733511>
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 15-28. <https://doi.org/10.2307/350547>
- Spanier, G. B., & Thompson, L. (1982). A confirmatory analysis of the dyadic adjustment scale. *Journal of Marriage and the Family*, 731-738. <https://doi.org/10.2307/351593>
- Tian, L., Zhang, X., & Huebner, E. S. (2018). The effects of satisfaction of basic psychological needs at school on children's prosocial behavior and antisocial behavior: The mediating role of school satisfaction. *Frontiers in Psychology*, 9, 548-560. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.00548>
- Zajenkowski, M., Leniarska, M., & Jonason, P. K. (2020). Look how smart I am!: only narcissistic admiration is associated with inflated reports of intelligence. *Personality and Individual Differences*, 165, 110158. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110158>